

## پویایی و تکامل

رشته حیات جوامع بشری، تا پایان، به وحی و دست‌آوردهای وحیانی نیازمند است...



رشته حیات جوامع بشری، تا پایان، به وحی و دست‌آوردهای وحیانی نیازمند است. انسان، سرنوشت خود را به جهان طبیعت و زمان گذشته و حال و آینده، پیوند ناگسستنی زده است و هر روز، گامی به جلو و نگاهی به آینده دارد و هر روز می‌کوشد تا به سخنی تازه و رازی ناگشوده دست یازد. پس، او در عقاید و اخلاقیات و احکام و بهره‌گیری از طبیعت و دست‌آوردهای آن به دانش نامتناهی نیاز دارد.

خداوند به وسیله پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) خطوط کلی را از خارج تأمین کرده است و نیز در درون بشر، نیروی فوق العاده و شگفت خرد را قرار داده است. عقل، شریعتی در نهان انسان است و وحی، شریعتی است در برون. عقل و نقل، دو بال از ابزار دین شناسی است که می‌تواند زوایای احکام و اخلاق و عقاید و سایر نیازمندی‌های بشر را در هر منطقه و هر زمان تأمین کند، و تا ظهور بقیة‌الله - ارواح من سواه فداه - عقل مصون از مغالطه (به برکت وحی)، هر روز شکوفاتر می‌شود و اسباب ویشیروا لهم دفائن العقول (1) پیداتر و به مبادی تصویری و تصدیقی تازه تری دست می‌یابد. از این‌رو، فقه و اصول و کلام و عرفان و فلسفه با پیشرفت دانش بشری بازتر و کامل‌تر، و در تاریخ و سنت و جهان‌بینی و ریاضی، سخنان تازه‌ای پیدا می‌شود.

روش‌ها نیز روشمندتر و متدها شکوفاتر و شکل‌ها زیباتر و متقن‌تر می‌شود و چه بسا اصلی بر اصول و قاعده‌ای بر قواعد فقهی بر آن بیفزایند و پیام‌های تازه‌تری استخراج کنند. با تأمل در آیات قرآن و روایات (به عنوان دو منبع غیر متناهی)، ممکن است مطالب جدیدی استنباط شود و فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر هزار سال پیش - که برای امروز ابتدایی شمرده می‌شود - قطعاً در هزار سال آینده، بسی شکوفاتر می‌شود و اندیشه‌های جدید به عرصه علم و فرهنگ راه می‌یابد و روش زنده‌تری اختراع می‌شود. این‌ها همه، باید در چشم انداز عقل و نقل معتبر قرار داشته باشد، نه در چنبره قیاس و استحسان که برخاسته از اندیشه حسبن کتاب الله است.

از سوی دیگر، براهین نقلی - که از قرآن و سنت به دست می‌آید - و نیز تقریر و فعل معصومان، موجب تکامل معارف دین است. عقل نیز در کنار این‌ها قرار دارد، نه در برابرشان؛ چنان‌که بسیاری از مسایل اصول فقه، برگرفته از عقل تنها یا تلفیقی از عقل و نقل است؛ مثلاً این‌که هر چه واجب یا حرام باشد، مقدمه آن نیز به حکم عقل واجب یا حرام است، حکم عقل می‌باشد؛ خواه آن واجب یا حرام، عقلی باشد یا نقلی.

عقل در حوزه مدیریت و اجرائیات نیز نقش کلیدی دارد؛ مثلاً در وضع مقررات و اداره کشور که آیا اقتصادش بر پایه‌های کشاورزی باشد یا دام پروری یا صنعت و معدن یا نفت، و اگر بر اساس کشاورزی تنظیم شود، بررسی خاک و آب و سد و قوانین لازم و کانال کشی، همگی به دست حکم عقل صورت می‌پذیرد که یا واجب است یا مقدمه واجب و...

متد و روش عقل و قواعد عقلی، هم ما را به محتوا فرا می‌خواند و هم به شکل، و هم به فقه آشنا می‌کند و هم به قواعد و اصول آن. بنابراین، در جمیع علوم و روش‌ها عقل در کنار نقل، چراغ فروزانی است که دانش‌های گوناگون دینی و غیر دینی را در خدمت دین می‌داند. عقل، جنبه پویندگی و بالندگی دارد که اگر نبوت ختم شد، در کنار ولایت و روایت و وحی و قرآن باشد و فقه و اصول و فلسفه و عرفان را جلو ببرد و روش جدید إلقا کند و به ارزیابی مجدد اندیشه گذشتگان بپردازد و از آن‌ها ره‌توشه تازه برگیرد و از اندوخته‌های پیشینیان تجربه بیاموزد و تئوری جدید ارائه کند و به اختراع و کشف جدید بپردازد و بر متون فقه و اصول و حکمت و کلام و عرفان و ریاضیات بیفزاید و زواید آن‌ها را پالایش دهد و غذای جدید، برای فریبهی خردها عرضه کند.

بنابراین، روش اجتهاد، در همه علوم حاکم است و دست‌افزار و نردبان آن، عقل است و عقل، حجة‌الله در درون انسان، و همراه قرآن و عترت و ولایت در بیرون است. این بدان معنا نیست که يك رساله عملیه با فروع محدود و مناسب عصر خاص و نسل مخصوص به جمیع نیازهای بشر تا روز قیامت پاسخ مثبت می‌دهد؛ بلکه دانشمندان جدید می‌آیند و کار جدید می‌کنند.

1. نهج البلاغه، خطبه 1.

وحی و نبوت، ص 413-415